



The Legal Effects of Jihad Approaches Based on the Principles of Jurisprudence in Islamic Government

Ali Mehdifard¹, Mahmoud Ghayumzadeh^{2*}, Abbas Ali Heidari³

1. Department of Fundamentals of Islamic Jurisprudence and Law, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran.

2. Department of Theology and Islamic Studies, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran.

3. Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: The phenomenon of war is connected with the history of human life and has always been associated with political, economic, geographical and psychological perspectives. War with all its bitterness and misfortunes can have another side and that is the time to talk about its legitimacy. When a land is invaded and unwillingly suffers the pain and suffering of war, while equipping itself with all-round facilities, it is also looking for its lost rights. From this point of view, inevitable war can become a permanent page, become history.

Method: This research is of a theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of collecting information is library-based and by referring to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In this research, the principles of trustworthiness, honesty, neutrality and originality of the work have been respected.

Results: Jihad is one of the rules and obligations that, with its specific and precise conditions and regulations, obligates the Muslim person to defend the life, property, land and width of the Islamic society. Draws against threats.

Conclusion: Jihad is influenced by religious beliefs. The division of Jihad and the explanation of the basic Jihad and its rulings and the investigation of this important issue in the era of the absence and apparent absence of the Infallible Imam, peace be upon him, as well as the role of the jurist in this regard, is the mission of the following pages of this article.

Keywords: Jihad; Principles of Jurisprudence; Islamic Government; War; Rulings

Corresponding Author: Mahmoud Ghayumzadeh; **Email:** maarefteacher@yahoo.com

Received: July 12, 2023; **Accepted:** October 08, 2023; **Published Online:** December 09, 2023

Please cite this article as:

Mehdifard A, Ghayumzadeh M, Heidari AA. The Legal Effects of Jihad Approaches Based on the Principles of Jurisprudence in Islamic Government. Medical Law Journal. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e37.



انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

مجله حقوق پزشکی

دوره شانزدهم، ویژه‌نامه تحولات حقوقی، ۱۴۰۱

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>

انجمن حقوق سلامت

آثار حقوقی رویکردهای جهاد با تکیه بر مبانی فقهی در حکومت اسلامی

علی مهدی‌فرد^۱، محمود قیوم‌زاده^{۲*}، عباسعلی حیدری^۳

۱. گروه مبانی فقه و حقوق اسلامی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

۲. گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

۳. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: پدیده جنگ با تاریخ حیات بشر پیوند داشته و همواره با دیدگاه‌های سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی و روان‌شناختی همراه بوده و هست. جنگ با همه تلخی‌ها و ناملایماتش می‌تواند روی دیگری هم داشته باشد و آن زمانی است که از مشروعیت آن سخن گفته شود. آنگاه که سرزمینی مورد تهاجم قرار گرفته و ناخواسته متحمل درد و رنج جنگ شده، ضمن آنکه خود را با امکانات همه‌جانبه تجهیز می‌کند، در پی حقوق از دست‌رفته خود نیز می‌باشد. از این جهت، جنگ اجتناب‌ناپذیر می‌تواند به صفحه ماندگار تاریخ تبدیل شود.

روش: این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی است و بر مبنای جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تحقیق حاضر، اصل امانتداری، صداقت، بی‌طرفی و اصالت اثر رعایت شده است.

یافته‌ها: جهاد از جمله احکام و تکالیفی است که با شرایط و ضوابط و مقررات خاص و دقیق خود، فرد مسلمان مکلف را بر آن می‌دارد تا از جان مال ارض و عرض جامعه اسلامی دفاع کند. جهاد روش دفاعی سازمان‌یافته‌ای است که شریعت برای جامعه اسلامی در برابر تهدیدات ترسیم می‌نماید.

نتیجه‌گیری: جهاد متأثر از عقیده و باورهای دینی است. تقسیم‌بندی جهاد و تبیین جهاد ابتدایی و احکام آن و بررسی این مهم در عصر غیبت و فقدان ظاهری امام معصوم (ع) و نیز نقش فقیه در این راستا رسالت صفحات پیش رو در این نوشتار است.

واژگان کلیدی: جهاد؛ اصول فقه؛ حکومت اسلامی؛ جنگ؛ احکام

نویسنده مسئول: محمود قیوم‌زاده؛ پست الکترونیک: maarefteacher@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۶؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۹/۱۸

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Mehdifard A, Ghayumzadeh M, Heidari AA. The Legal Effects of Jihad Approaches Based on the Principles of Jurisprudence in Islamic Government. Medical Law Journal. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e37.

مقدمه

نظریه جنگ مشروع یا نظریه جنگ عادلانه (به لاتین: Doctrine Bellum Iustum) یک دکترین قرون وسطایی و متضمن جنبه‌های فلسفی، اخلاقی و نظریات کلیسای کاتولیک رومی است. نظریه جنگ مشروع که ریشه در آموزه‌های مسیح دارد و توسط بسیاری از علمای دینی و فیلسوفان مغرب‌زمین مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. در دیدگاه طرفداران نظریه جنگ عادلانه، جنگ تحت شرایطی جایز و مشروع است و کشور زیان‌دیده که حق مشروع دفاع یا تعقیب را دارد، می‌تواند به جنگ متوسل شود. همچنین طرفداران این نظریه معتقدند که می‌توان خشونت و درگیری‌ها را از طریق معیارهای فلسفی، مذهبی و سیاسی تحت نظم و قاعده درآورد. برخلاف دوران باستان که جنگ یک امر طبیعی در روابط بین‌المللی تلقی می‌شد، این نظریه توانست تا حدودی کاربرد زور در روابط بین‌المللی را محدود و قواعد مربوط به آن را تنظیم کند. عصر غیبت، جهاد ابتدایی و اختیارات فقیه پدیده جنگ با تاریخ حیات بشر پیوند داشته و همواره با دیدگاه‌های سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی و روان‌شناختی همراه بوده و هست. جنگ با همه مسائل، تلخی‌ها و ناملایماتش می‌تواند روی دیگری هم داشته باشد و آن زمانی است که از مشروعیت آن سخن گفته شود. آنگاه که سرزمینی مورد تهاجم قرار گرفته و ناخواسته متحمل درد و رنج جنگ شده، ضمن آنکه خود را با امکانات همه‌جانبه تجهیز می‌کند، در پی حقوق از دست‌رفته خود نیز می‌باشد. از این جهت، جنگ اجتناب‌ناپذیر می‌تواند به صفحه ماندگار تاریخ تبدیل شود، آنگاه که روحیه سلحشوری، مقاومت، ایثار و از خودگذشتگی در پرتو دین و مبانی اعتقادی دوچندان شود. جهاد از جمله احکام و تکالیفی است که با شرایط و ضوابط و مقررات خاص و دقیق خود، فرد مسلمان مکلف را بر آن می‌دارد تا از جان مال ارض و عرض جامعه اسلامی دفاع کند. جهاد روش دفاعی سازمان‌یافته‌ای است که شریعت برای جامعه اسلامی در برابر تهدیدات ترسیم می‌نماید، جهاد متأثر از عقیده و باورهای دینی است. تقسیم‌بندی جهاد و تبیین

جهاد ابتدایی و احکام آن و بررسی این مهم در عصر غیبت و فقدان ظاهری امام معصوم (ع) و نیز نقش فقیه در این راستا رسالت صفحات پیش رو در این نوشتار است.

روش

این پژوهش از نوع نظری بوده و روش پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی است و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها

در مقاله حاضر سعی بر آن است تا با بررسی اصول فقه و آیات قرآن، به بررسی اقسام و جهات مختلف جهاد اسلامی در زمان غیبت امام عصر پرداخته شود.

بحث

۱. جهاد و اقسام آن از منظر فقه اسلامی: جهاد به معنی صلابت و مشقت است. جهاد به معنی کوشش و تلاش برای انجام هر کاری است. جهاد از همین ماده (جهاد) است و آن تلاش همراه با رنج است. به مجاهد (تلاش‌کننده) جنگجو نیز اطلاق شده است. در تعریف اصطلاحی آن آمده است: «الجهاد و شرعا بذل النفس و ما يتوقف عليه من المال في المحاربة المشركين، اوالباغين على وجه مخصوص او بذل النفس والمال والوسع في اعلا الكلمه الاسلام و اقامه الشعائر الايمان» (۱) از این تعریف به دست می‌آید که اقدام به جنگ با دشمن و اعلام آمادگی رزمی که مستلزم بذل جان و مال است، درست به عنوان جهاد کافی است. قابل ذکر است اصطلاح جهاد دو معنای اصلی دارد: اول جنگ مقدس در راه خدا؛ دیگری مبارزه با وسوسه‌های شیطانی و اعمالی که گناه به شمار می‌آید. معنای اول در آثار فقهی و کتب فقیهان و معنای دوم در آثار اخلاقی و عرفانی دیده می‌شود (۲). عبارت شیخ طوسی: «و من وجب عليه الجهاد انما يجب عليه عند شروط و هي ان يكون الامام العادل الذي لا يجوز لهم القتال الا بامر و

است. لازم به ذکر است که حضور امام معصوم یا منصوب وی شرط جواز و مشروعیت جهاد است (۳).

۱-۱. جهاد با کفار مشروط به حضور امام عصر یا نائب او:

۱- شیخ مفید می‌فرماید: «اجرای حدود وظیفه حاکم اسلامی است که از طرف خدا گماشته شده باشد و آن‌ها پیشوایان هدایت از خاندان پیامبر (ص) هستند. همچنین دیگر فرمانروایان و امیرانی که آن‌ها را امامان معصوم برای این کار نصب کرده باشند. ائمه (ع) این مسئولیت را به فقیهان شیعه تفویض کرده‌اند تا در صورت امکان آن را اجرا کنند. کسی که بتواند حدود شرعی را بر فرزندان و غلامان خود اجرا کند و از ضرر رساندن حاکم ظالم نترسد، باید آن را اجرا کند و نیز اگر بتواند بر نزدیکان قوم خود حدود شرعی را اجرا کند و از شر ستمگران ایمن باشد، باید انجام دهد، مثلاً دست دزد را ببرد، زناکار را تازیانه بزند، قاتل را بکشد. این کار بر کسی که از طرف حاکم جور به عنوان جانشین یا فرمانروا بر عده‌ای منصوب شده باشد، واجب معین است و او باید حدود شرعی و احکام الهی را اجرا کند، امر به معروف و نهی از منکر کند و با کفار و اهل فسق و فجور بجنگد. اگر او از برادران مؤمن کمک خواست، باید او را در این هدف یاری کنند، البته تا جایی که از حدود ایمان نگذرد یا فرمان کسی که او را نصب کرده (فرمانروای ناحق) در معصیت خدا به کار نیندد» (۴). چنانکه ملاحظه می‌شود ایشان جهاد با کفار را در ردیف دیگر وظیفه‌های منصوب از طرف حاکم جور شمرده است. پس بر منصوب از جانب حاکم جور، جنگیدن با کافران نیز واجب می‌شود. بی‌تردید این جهاد، جهاد ابتدایی را نیز دربر می‌گیرد. جهاد ابتدایی از اموری است که حاکم جور آن‌ها را جزء وظایف خود می‌داند، پس منصوب از طرف او نیز به ناچار می‌تواند عهده‌دار جهاد ابتدایی شود، به هر حال ایشان بر وجوب جهاد با کفار، هر چند جهاد ابتدایی بر فقیهی که از جانب حاکم ناحق منصوب شده باشد، فتوا داده است. برخی می‌گویند: «موضوع وجوب جهاد این است که شخص از طرف حاکم جور منصوب شده باشد، پس این حکم، شخص غیر فقیه را هم شامل می‌شود و اختصاص به فقیه ندارد.» انصاف این

لا یسوغ لهم الجهاد من دونه ظاهراً یكون من نصب و العمام للقیام به امر مسلمین حاضراً ثم یدعوهم الی الجهاد فیجب علیهم حینئذ القیام به و متی لم یکن الامام ظاهراً و لا من نصبه...» به نظر می‌رسد مقصود شیخ از امام عادل با توجه ادامه عبارت «لا یسوغ لهم الجهاد من دونه‌ای ظاهراً» امام معصوم باشد، چون امام (ع) گاهی ظاهر و گاه غائب است و بدین جهت حضور و اذن امام معصوم برای تحقق جهاد ابتدایی شرط است. در ادامه، اما عبارت: «او، یكون من نصبه الامام للقیام بامر مسلمین حاضراً...» می‌تواند به عنوان یک عبارت آن تلقی شده، بنابراین اختصاصی به منصوب خاص نداشته باشد، از این جهت شامل فقیه عادل در عصر غیبت را نیز شود. در این صورت اگر فقیه عادل مبسوط الید باشد و در رأس یک نظام سیاسی قرار گیرد، می‌تواند اذنش برای جهاد ابتدایی شرط باشد. در هر حال و با نقل عبارت یادشده از شیخ طوسی اذن معصوم در عصر حضور شرط است، ولی در عصر غیبت با اذن فقیه عادل جهاد ابتدایی مجاز و مشروع است. علاوه بر عبارت یادشده، از سوی شیخ طوسی، وی در جای دیگر آورده است: «إذا اجتمعت الشروط التی ذکرناها فیمن یجب علیه الجهاد فلا یجب علیه ان یجاهد الا بان یكون هناک امام عادل او من نصبه الامام للجهاد، ثم یدعوهم الی الجهاد فیجب حینئذ علی من ذکرناه و متی لم یکن الامام و لا من نصبه الامام سقط الوجوب بل لا یحسن فعله اصلاً...»، در اینجا نیز امام عادل همان امام معصوم است و قرینه آن عبارت «امام اصلاً» است که در برابر امام جائز و امام غیر اصلی قرار داده شده است. ابن ادریس در سرائر شبیه نظر شیخ طوسی را بیان کرده و عبارت او نظیر همان عبارت است. قاضی ابن براج در المهذب گفته است: «انما ذکرنا ان یكون مأموراً بالجهاد من قبل الامام او من نصبه لانه متی لم یکن واحد منهما لم یکن واحداً منهما لم یجز له الخروج الی الجهاد... و الجهاد مع ائمه الکفر و مع غیر امام اصلی او من نصبه قبیح.» در عبارت فوق چنین به دست می‌آید که مقصود از امام به قرینه ادامه عبارت که تنها جهاد با امام اصلی مجاز شمرده شده، امام معصوم

است که این حرف خلاف ظاهر است، زیرا سیاق عبارت می‌طلبد که این حکم از فروع کبرایی است که در اول کلام ایشان آمده است: «امامان نظر در این مسئولیت را به عهده فقیهان شیعه گذاشته‌اند تا در صورت امکان اجرا کنند.» ایشان پیرو این تفویض که از طرف ائمه (ع) به فقه‌های شیعه شده، فروعی را ذکر کرده است، از جمله اجرای حدود شرعی در صورت امکان بر غلام و فرزند و سپس بر نزدیکان اقوامش، سپس اجرای حدود شرعی را بر کسی که از طرف حاکم جور منصوب شده باشد، واجب شمرده است و تنها به اجرای حدود شرعی کفایت نکرده، بلکه جهاد با کفار را نیز در ردیف آن آورده است، پس همه این تکلیف‌ها متوجه فقیهان شیعه است که ائمه (ع) نظارت در حدود شرعی و اجرای آن را به عهده آن‌ها گذاشته‌اند (۵). همان‌گونه که در کلام ایشان در جمله «فمن تمکن من اقامتها» مراد از موصول و کسی که این وظیفه به او تفویض شده، خصوص فقه‌های شیعه است و شامل دیگران نمی‌شود. در جمله «این، واجب متعین است بر کسی که حاکم جور نصب کرده است» نیز مراد از «کسی» خصوص فقیه شیعه است. ظاهر کلام شیخ مفید این است که منصوب شدن از طرف حاکم جور در واجب بودن جهاد بر فقیه موضوعیت ندارد، بلکه کلاً موضوع برای واجب بودن جهاد این است که فقیه توان جهاد با آن‌ها را داشته باشد و منصوب بودنش از طرف حاکم جور یکی از راه‌های توانایی جهاد با آن‌هاست، زیرا تفریع آوردن جمله «هر کس بر اجرای حدود بر فرزند و غلام خود و... متمکن باشد، باید اجرا کند» در کلام ایشان بر کبرایی تفویض یادشده، به روشنی دلالت می‌کند بر اینکه مجوز اصلی و سبب واقعی اقامه حدود شرعی فقط تفویض این مسئولیت از طرف حاکم اسلام به اوست و جز توانایی اجرای حدود، شرط دیگری در کار نیست. همچنین در تفریع دوم که گفته: «و نیز اگر بتواند بر نزدیکان قوم خود حدود شرعی را اجرا کند، به روشنی دلالت می‌کند بر اینکه در مورد اجرای حدود شرعی بر نزدیکان، جز توانایی بر اجرای حدود بدون ترس از ستمگران، نیاز به هیچ موقعیت و وضعیت دیگری نیست.» جمله «این کار بر کسی که از طرف حاکم جور به عنوان جانشین یا فرمانروا بر عده‌ای منصوب شده باشد، واجب معین است» را

اگر بر دو جمله یادشده عطف کنیم، به روشنی می‌بینیم که منصوب بودن فقیه از طرف حاکم جور در مورد اجرای حدود شرعی فقط به جهت توانایی بر اجرای حدود بوده و منصوب بودن موضوعیت ندارد، به ویژه اگر جمله «علی ظاهر خلافت له را در نظر بگیریم، می‌بینیم که این جمله دلالت آشکار دارد بر اینکه اجرای حدود به عنوان جانشین حاکم جور یا مجری امر او بودن فقط به حسب ظاهر است، وگرنه در واقع تنها مجوز، بلکه سبب اجرای حدود شرعی، تفویض این مسئولیت از طرف امامان راستین به اوست و بعد از وجود تفویض از طرف امامان معصوم (ع)، نیاز به شرط دیگری نیست، جز شرط تنجیز که وجود آن در همه تکلیف‌ها لازم است، یعنی توانایی اجرای حدود شرعی بدون ترس از ضرر رساندن ستمکاران. به هر حال کلام ایشان نسبت به واجب بودن اجرای حدود شرعی دلالت روشن دارد و وقتی جهاد با کفار را به آن عطف کنیم، استفاده می‌کنیم که جهاد هم به نظر ایشان همان حکم اجرای حدود را دارد که از طرف حاکم اسلام بر عهده فقه‌های شیعه گذاشته شده است و برای اجرای این کار هیچ‌گونه شرطی جز توانایی انجام آن در میان نیست که فرض این است آن هم با منصوب شدن از طرف حاکم جور به عنوان جانشین یا فرمانروا به دست آمده است. بنابراین اگر فقیه‌ی در سایه دولتی اسلامی توان جهاد با کفار را داشته باشد، می‌تواند بلکه واجب است که در صورت فراهم بودن دیگر شرایط جهاد، با آن‌ها جهاد کند (۶).

۲- فقیه صدر اول، شاگرد سیدمرتضی و نماینده او در منطقه حلب، یعنی شیخ ابوالصلاح تقی بن نجم حلبی در کتاب کافی خود در فصل «جهاد و احکام آن» به همین قول، بلکه با گستره‌ای بیشتر قائل شده است. وی می‌نویسد: «جهاد با کافران و محاربان فاسق به خاطر کفر و فسق آن‌ها و نیز برای جلوگیری از ادامه آن با اعمال فشار و اجبار، واجب است به شرط اینکه پیشوایی به این وظیفه دعوت کند که از حالش معلوم باشد یا گمان رود که اقدام او برای جهاد با آن‌ها به حکم خدای متعال است و اگر دعوت به جهاد از طرف کسی باشد که دارای شرایط نیست، با داشتن اختیار باید از او کناره‌گیری کرد و نباید در این کار شرکت کرد، اما در صورتی

که بر جان خود بترسد، می‌تواند با او همراهی کند، البته برای یاری دین نه کار دیگر»، سپس با طرح جهاد دفاعی می‌گوید: «جهاد نوع دوم با جهاد اول فرق دارد، زیرا اولی جهاد ابتدایی است و یاری و همکاری در آن جهاد، بستگی به وجود رهبری دارد که به سوی حق دعوت کند، زیرا یاری چنین رهبری واجب است برخلاف کسی که دعوت به گمراهی می‌کند که همکاری با او جایز نیست، زیرا خوار و زبون کردن او واجب است، اما جهاد نوع دوم، یعنی جهاد دفاعی، مثل آن نیست، زیرا این‌گونه جهاد مربوط می‌شود، به یاری اسلام و راندن دشمن از وطن و سرزمین ایمان، زیرا اگر دشمن رانده نشود، حق، مندرس و فراموش شده و متروک می‌ماند و دشمن بر سرزمین ایمان پیروز می‌شود و فرمانروایی کفر یاری می‌شود» (۷). ملاحظه می‌کنید که ایشان در واجب بودن جهاد ابتدایی، از جهت رهبری جهاد، شرطی ذکر نکرده، جز اینکه گفته: «از حال او معلوم شود و یا گمان رود که در جهاد خود، به روشی که خدا واجب کرده، قدم برمی‌دارد» و حتی فقاقت را در رهبر شرط نکرده تا چه رسد به اینکه امام معصوم باشد.

۳- از کلام فقیه عهد اول، سلار بن عبدالعزیز استاد ابوالصلاح حلبی استفاده می‌شود که دعوت‌کننده به جهاد لازم نیست امام معصوم باشد. او در کتاب مراسم می‌گوید: «در زمان غیبت امام معصوم، فقهای شیعه می‌توانند در عید فطر و قربان با جماعت نماز عید بخوانند و همچنین نماز باران بخوانند، اما در زمان غیبت امام، اقامه نماز جمعه جایز نیست، اما جهاد، بر عهده حاکم یا کسی است که حاکم او را گماشته باشد یا به دستور حاکم باشد، مگر اینکه دشمن، مؤمنان را احاطه کرده باشد. در این صورت لازم است که از خود و اموال و خانواده خود دفاع کند.» وی جهاد با کفار را در ردیف نماز عید و استسقا که به عهده فقیهان شیعه گذاشته شده است، ذکر نکرده، بلکه اختیار تصمیم‌گیری در مورد آن را مربوط به حاکم می‌داند و شکی نیست که مراد از حاکم، حاکم حق است و از حاکمان ستمگر انصراف دارد و شامل آن‌ها نمی‌شود، اما ایشان در مورد حاکم حق، معصوم بودن را شرط نکرده، بنابراین وقتی ما قائل باشیم که در زمان غیبت معصوم (ع) بنیانگذاری دولت

اسلامی به هر اندازه که امکان‌پذیر باشد، جایز، بلکه واجب است، اگر یک فقیه عادل یا جمعی از مؤمنان عادل دولتی را بنیانگذاری کنند، فقیه‌ی که در رأس دولت قرار می‌گیرد، حاکم حق است پس اختیار تصمیم‌گیری در مورد جهاد بر عهده اوست، البته همه این مطالب در مورد جهاد ابتدایی است، اما در جهاد دفاعی اصلاً اذن حاکم شرط نیست، چنانکه وی به این مطلب تصریح کرده است (۸). حلبی در اشارات السبق گفته است: «مع امر امام الاصل به من نصبه و جری مجراه... فبتکاملها یجب و بالرتفاعها اولاخلال بشرط منها یسقط.» از این عبارت نیز شرط حضور امام معصوم استفاده می‌شود، چنانکه حضور و از نظر امام شرط وجوب است. علامه حلبی در قواعد الاحکام آورده است: «انما یجب بشرط او نائبه... و هو الاقامه فی الثغر لتقویه المسلمین علی الکفار، و لا یشرط فیه الامام لانه لا یشمل قتالاً بل حفظاً و اعلاماً» در این عبارت نیز امام، امام معصوم است و نائب هم نائب خاص اوست. در مسالک الافهام شهید ثانی آورده است: «انما یجب للجهاد بشرط الامام العادل او نائبه الخاص و هو المنصوب للجهاد او لما هو الاعم، اما العام کالفقیه فلا یجوز له تولیه حال الغیبه بالمعنی الاول» مقصود از اعمال عادل در کلام شهید امام معصوم است (۹). شیخ جعفر کاشف الغطاء در کشف الغطاء در بحث از تفاوت‌های جهاد ابتدایی با اقسام دیگر جهاد دفاعی می‌گوید: «احدها یشرط فی الجهاد بالمعنی الاخیر و هو و ما ارید به الجلب الی الاسلام، حضور الامام او نائبه الخاص دون العام.» میرزای قمی در جامع الشتات می‌نویسد: «جهاد با کفار مشروط است به امام یا نائب خاص او و در صورت غیبت امام، جهاد جایز نیست» (عبارات گروه دوم). اکنون به بیان چند عبارت از فقهای گروه دوم (حضور امام معصوم شرط تحقق جهاد ابتدایی نیست) می‌پردازیم:

شیخ مفید در المقنعه، پس از بیانی درباره اقامه حدود می‌نویسد: «فاما اقامه الحدود: فهو الی سلطان الاسلام المنصوب من قبل الله تعالی و هو ائمه الهدی من آل محمد (ص) و من نصبوه لذلک من الامرا و الحکام و قد فوضوا النظر الی فقها شیعتهم مع الامکان... فیلزمه اقامه الحدود و تنفیذ

سنت‌گرایان افراطی و روش تجددگرایان تندرو را در پیش نگیریم، زیرا همواره با شکست مواجه شده‌اند. پس چه باید کرد؟ آیا فقط همین دو گزینه فراروی ما قرار دارد؟ یا باید زندانی سنت بود و از هر آنچه در عالم است بی‌نصیب؟ یا محو فرهنگ و تمدن غرب شد؟ یا این تقابل را به گونه‌ای دیگر نیز می‌توان از میان برداشت، به گونه‌ای که تضاد این دو (سنت و تجدد) به حداقل ممکن کاهش یابد تا حیات اجتماعی و هویت تاریخی و سنت‌های ناب و اصیل ما را نابود نکند؟ در این نوشتار درصدد پاسخگویی به پرسش‌های مذکور هستیم. رویارویی سنت و مدرنیته، اهل فکر و اندیشه را به غور و تفکر و تعمق وامی‌دارد و از آنجا که دریافت‌ها از پدیده‌ها متفاوت است، لذا ممکن است دریافت یک متفکر از دیگری متفاوت و گاه متضاد باشد، مثلاً یک مارکسیست ممکن است دریافتی از چالش مذکور داشته باشد که یک لیبرال ندارد، حتی ممکن است لیبرال‌ها نیز در مقایسه با یکدیگر برداشت‌های متفاوتی از این چالش داشته باشند. گاه ممکن است متفکری در حوزه اندیشه، سنتی باشد، ولی در عمل بنا به مقتضیات زمان و مکان درصدد سازگاری سنت و مدرنیته برآید. به هر حال راه حل‌هایی که از سوی اندیشه‌مندان برای عبور از چالش سنت و مدرنیته ارائه می‌شود، متفاوت خواهد بود (۱۲).

۱-۲. جهاد ابتدایی از اختیارات امام معصوم: ابوصلاح حلبی در الکافی فی الفقه می‌نویسد: «یجب جهاد کل من الکفر و المحاربین من الفساق... علی کل رجل... بشرط وجود داع الیه یعلم او یظن من حاله السیر فی الجهاد... بحکم الله تعالی و ان کان الداعی الیه غیر من ذکرناه». در این عبارت من تنها وجوب به جهاد به اذن امام معصوم یا نائب خاص او مشروط نیست، بلکه به اذن مجتهد عادل و دعوت او نیز گره نخورده است. محقق سبزواری در کفایه الاحکام می‌نویسد: «و یشرط فی وجوب الجهاد وجود الامام او من نصبه علی المشهور بین الاصحاب و لعل مستند اخبار لم تبلغ درجه الصحه مع معارضتها بعموم الایات، ففی الحکم به اشکال». ایشان شرط وجود امام و اذن او را مشهور دانسته است (۱۳). چنانچه گذشت مرحوم آیت... خوبی جهاد ابتدایی را در عصر

الاحکام و الامر بالمعروف و نهی عن المنکر و جهاد الکفار». از ماحصل عبارت شیخ چند نکته به دست می‌آید. اول، اقامه حدود، شأن امام (ع) و منسوبین آن‌هاست که به حقوق‌های شیعه واگذار شده تا در صورت امکان مجری حدود باشد، البته کسی که از سوی حاکم جائز به این منصب رسیده، نیز عهده‌دار این تکلیف بوده و بنابراین موظف به اقامه حدود، تنفیذ احکام، امر به معروف و نهی از منکر و جهاد با کفار است؛ دوم، منظور از عبارت «من نصبه المتغلب» فقیه است، یعنی اگر به حسب ظاهر فقیه از سوی چنین فردی منصوب شود، این وظایف به عهده اوست، چراکه از جانب ائمه به این منصب رسیده است؛ سوم، جهاد با کفار آن بوده و شامل جهاد ابتدایی هم می‌شود. از آنجا که جهاد دفاعی به اذن نیاز ندارد، مقصود از جهاد با کفار همان جهاد ابتدایی است؛ چهارم، از عبارت چنین به دست می‌آید که تفویض از جانب ائمه بوده و نصب فقیه از سوی حاکم جائز تنها قدرت اجرای حدود و جهاد و موارد مشابه را فراهم می‌سازد و نه بیشتر از آن؛ پنجم، از آنجا که فقیه از جانب امام معصوم برای اجرای حدود مأمور شده است، در عصر غیبت نیز فقیه می‌تواند متصدی این امور بوده و مشروعیت آن‌ها به اذن معصوم یا نائب خاص او بستگی ندارد (۱۰). رویارویی سنت و تجدد در ایران معاصر، مسأله‌ای پیچیده، حساس و دقیق و دارای ظرافت‌های فکری و تاریخی و سیاسی - اجتماعی بسیاری است. بررسی این مسأله علاوه بر توجه به زوایای مختلف مسأله و فراهم آوردن مواد و منابع اولیه و متنوع که گاه بسیار ناهمسان و ناهماهنگ هستند، به نوعی دسته‌بندی و بازسازی فکری و علمی نیز نیازمند است (۱۱). اساسی‌ترین چالشی که ایران و ایرانی، حداقل در طول صد و پنجاه سال گذشته، با آن رو به رو بوده است، تقابل و رویارویی سنت و تجدد و چگونگی گذر از این تنگنای تاریخی است. در این مواجهه، برخی تنها راه گریز از وضع موجود را سر تا پا غربی‌شدن و تقلید کورکورانه از غرب می‌دانند. عده‌ای نیز به در جازدن بر سنت‌های گذشته اصرار می‌ورزند؛ سنت‌هایی که در گذر حوادث و تحولات تاریخی با ناخالصی و خرافات فراوانی ممزوج شده و نیاز به پالایش و تجدید نظر دارد، اما تجربه گذشته به ما یادآوری می‌کند که راه

جائر بدانیم، در این صورت جهاد در عصر غیبت باعث نفقه عادل مشروع و واجب خواهد بود، به چند عبارت از دیدگاه این فقها اشاره می‌کنیم:

ابن زهره در غنیه النزوع می‌گوید: «و اما شرایط وجوبه... و امر الامام العادل به من ینصبه الامام او ما یقوم مقام ذلک من حصول خوف علی الاسلام او علی الانفس و الاموال و متی اختل شرط من هذه الشروط سقط فرض الجهاد بلاخلاف اعلمه.» در این بیان ترس برای اسلام بر جان و مال مسلمین موجب می‌شود که در جهاد دفاعی نیاز به اجازه امام نبوده و این عامل جایگزین امام شود. ابن حمزه در وسیله می‌گوید: «انما یجب بثلاثة شروط: احدها حضور امام العادل او من نصبه، الأمام للجهاد و لایجوز الجهاد بغیر الامام و با مع ائمه الجور.» از این عبارت دانسته می‌شود که جهاد بدون امام و اذن او جایز نیست، چنانکه به امامت پیشوایان جائر نیز مشروع نیست ظاهراً ائمه جر در برابر امام عادل قرار گرفته که اعم از معصوم و غیر معصوم است (۱۵). در این خصوص علامه حلی در المختصر النافع می‌گوید: «انما یجب مع وجود الامام العادل او من نصبه لذلك و دعائیه و لایجوز مع الجائر.» واضح است که تعبیر امام عادل اعم از معصوم بوده و البته قرینه‌ای در این عبارت وجود ندارد تا نشان دهد مراد علامه امام معصوم است، مگر آنکه دیدگاه او را در سایر آثارش قرینه این عبارت دانسته و او را در گروه اول قرار دهیم. در همین زمینه شهید اول در لمعه می‌نویسد: «یجب... بشرط دعاالامام العادل او نائبه و لا یجوز مع الجائر اختیاراً.» در این بیان نیز نائب امام اعم از نائب خاص و عام بوده و امام عادل نیز می‌تواند اعم از معصوم و در برابر جائر باشد (۱۶).

۲. ابعاد حقوقی جهاد در زمان غیبت امام عصر (ع) از دیدگاه فقه: جهاد، جهاد ابتدایی، دوران غیبت، اذن معصوم، فقیه جامع شرایط بررسی موضوع جهاد با سابقه طولانی و در دو حوزه فقه و حقوق سیاسی از دیرباز مورد توجه فقها و حقوقدانان سیاسی بوده و هست. باب الجهاد عنوانی است که فقهای متقدم و متاخر در تالیفات خود به آن پرداخته، زوایای مختلف آن را مورد ارزیابی قرار داده‌اند. عنوان جهاد در پی

غیبت مشروع دانسته، بر آن است که اختصاص دادن حکم جهاد به زمان محدودی چون عصر حضور معصوم، با توجه ویژه قرآن به حکم جهاد بی‌آنکه آن را به زمان معینی محدود کند، سازگار نیست. بنابراین آیات جهاد از نظر زمان محدودیتی نداشته، شامل عصر غیبت نیز می‌شود، اما اگر در روایات دلیلی بر اشتراط اذن معصوم و در نتیجه محدودبودن جهاد ابتدایی به عصر ظهور داشته باشیم، این روایات با عموم آیات جهاد می‌تواند در تعارض باشد، اما فقیه نامی، در جواهر الکلام می‌گوید: «مقتضای این روایات مثل صریح فتاوی اصحاب عدم مشروعیت جهاد با امام جائر و غیر جائر است» چه اینکه در مسالک و برخی کتب دیگر نیابت عامه را در عصر غیبت برای تصدی امر جهاد کافی نمی‌داند و برخی دیگر ادعای عدم وجود مخالفت شده که ظاهر بعضی از آن‌ها اجماع است. پس از نقل این مطلب صاحب جواهر خود چنین اظهار نظر کرده است: «لکن ان تم الاجماع المزبور فذاک امکن المناقشه فیه بعموم ولایه الفقیه فی زمن الغیبه الشامله لذلك، المعتضده بعموم ادله الجهاد فترجح علی غیرها.» آخرین نقل قول در این زمینه را از کتاب بیع امام خمینی یادآور می‌شویم: «ان للفقیه جمیع ما للامام (ع) لیس من جهه ولایته و سلطنته، لکن یختص بالا مام (ع) ولایتی منه کما اشتهر ذلک فی الجهاد غیر الدفاعی و ان کان فیه بحث و تأمل.» مرحوم امام در اینکه جهاد ابتدایی از اختیارات ویژه و اختصاصات امام معصوم باشد و به دیگری واگذار نشده باشد، تأمل دارد (۱۳). مرحوم آیت‌الله خویی در منهاج الصالحین و پس از نقد دلایل مشهور گفته است: «قد تحصل من ذلک ان الظاهر عدم سقوط وجوب الجهاد فی عصر الغیبه و ثبوته فی الکافه الاعصار لدی توفر شرائطه و هو فی زمن الغیبه منوط بتشخیص المسلمین من ذوی الخبره معهم مصلحه الاسلام» (۱۴). می‌توان از دیگرانی چون سیدصادق روحانی، مؤمن قمی، سیدحسین فضل‌الله و منتظری نام برد که ایشان وجوب جهاد را مشروط به اذن امام معصوم یا نائب خاص او نمی‌دانند. گروه سوم از فقها از امام عادل یا منصوب از سوی او را شرط جهاد ابتدایی دانسته‌اند، اما اگر امام عادل را اعم از معصوم دانسته، و آن را در برابر امام

ده‌ها و سده‌های گذشته مورد توجه جدی فقها قرار داشته و از آنجا که تأثیر به‌سزایی در تأمین نظم عمومی و امنیت روانی جامعه داشته، به‌عنوان یکی از آموزه‌های ارزنده و تأثیرگذار شریعت مورد توجه و دقت نظر قرار داشته است. ناگفته پیداست از بدیهیات جنگ، خشونت، بی‌رحمی، قساوت، انتقام‌جویی، ویرانی، خونریزی، وحشت و نابودی است، چه بسا جنگ در راستای اهداف توسعه‌طلبانه و اغراض مادی و کسب قدرت و جاه‌طلبی صورت می‌گیرد، در حالی که جهاد در مفهوم دقیق قرآنی خود از همه این موارد مبرا است. انتخاب واژه جهاد در متون و نصوص قرآنی بیانگر بعد معنوی و عبادی آن است. واژه‌های دیگر قرآن چون قتال و حرب نیز به معنی درگیری نظامی است (۱۷). با این حال به کارگیری این کلمات در قرآن در خصوص تهاجمی است که فاقد انگیزه معنوی، الهی و انسانی می‌باشد. در مقابل، اما جهاد، دارای ماهیتی است که اولین خصوصیت آن توجه به خداوند و قرب به اوست. آیه قرآنی «جاهدوا فی الله حق جهاده» از جمله آیاتی است که دلیلی بر این مطلب است. از این رو جهاد دفاع مشروعی است که به دفع حمله و سرکوب متجاوزان و بیرون راندن آن‌ها از سرزمین مسلمانان و نیز دفاع از جان، مال، ناموس و عقیده مسلمین محقق می‌شود. جهاد همان مقاتله العدو یا اقدام به عملیات مسلحانه با دشمن است (۱۸). در بررسی حقوقی جهاد باید به این نکته توجه داشت که در قرآن هر دو عنوان جهاد و قتال به چشم می‌خورد. با این حال جهاد نوعی از قتال است که دارای شرایط و خصوصیات محدودکننده می‌باشد. همچنین در دیدگاه فقهی بی‌شک جز عنصر قطعیت و جنگ مسلحانه عنصر معنوی دیگری در سه قلو آن جهاد منظور شده که مبین قصد و انگیزه رزمندگان و مجاهدان بوده و باید این قصد و انگیزه صرفاً در راه خدا باشد و نه برای دستیابی به غنائم و یا قدرت. از این بابت در تعریف جهاد عنصر معنوی قصد و انگیزه از نقش مؤثری برخوردار بوده که اینکه هر اقدام مسلحانه بر علیه دشمن نمی‌تواند عنوان جهاد به خود بگیرد. فقهای اسلام جهاد را در ردیف عناوین عبادی چون نماز روزه و حج آورده‌اند و علیرغم سیاسی‌بودن آن در

بخش عبادات مطرح شده و این بدان معنی است که یکی از مقدمات جهاد عنصر معنوی قصد قربت و نیت است (۱۹).
۱-۲. تفسیر مخاسمات مسلحانه در عصر بین‌الملل: در زمان جنگ اصول و قوانین خاص بشردوستانه حتی در برابر دشمن نیز باید رعایت گردد. این قوانین به صورت چهار کنوانسیون ژنو در تاریخ ۱۲ آگوست سال ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی آن در تاریخ ۸ ژوئن سال ۱۹۷۷ تنظیم شد. کنوانسیون‌های ژنو بر پایه احترام به فرد و عزت و شرف وی بنیان نهاده شده است. در این کنوانسیون باید به حقوق افرادی که به طور مستقیم در درگیری‌ها شرکت نمی‌کنند و اشخاصی که به علت بیماری جراحات اسارت و یا هر علت دیگری فاقد توان مبارزه هستند، احترام گذاشته شده و در مقابل اثرات جنگ محافظت شوند. باید به افرادی که بر اثر جنگ دچار خسارت و ضرر و زیان می‌شوند، بدون هیچ‌گونه تبعیضی کمک شود. بنا بر پروتکل الحاقی کلیه افراد جنگ‌زده بایستی تحت این حمایت قرار گیرند. این پروتکل‌ها همچنین تصریح می‌کنند که طرف‌های درگیر در جنگ و نظامیان نباید به افراد و اهداف غیر نظامی حمله کنند و باید عملیات نظامی خود را مطابق با قوانین و مقررات به رسمیت شناخته شده بشردوستانه هدایت و رهبری کنند. دفاع مشروع، یکی از موضوعات مهم در عرصه حقوق بین‌الملل و به معنای حق ذاتی دفاع فردی یا جمعی در صورت وقوع حمله‌ای مسلحانه به یک کشور، تا زمانی که شورای امنیت اقدامات ضروری را برای اعاده و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ نماید. دفاع مشروع مانند یک قاعده حقوقی و نیز به عنوان یک اصل کلی حقوقی به رسمیت شناخته شده که مورد قبول تمام نظام‌های حقوقی دنیاست. علیرغم تأکید بسیاری از اسناد بین‌المللی مهم از جمله پیمان پاریس (پیمان بریان - کلوگ)، منشور ملل متحد و... بر ممنوعیت جنگ، این پدیده ناگوار و ناخوشایند، همچنان گریبان‌گیر حیات بشری است. بر اساس مقررات حقوق بین‌الملل، اصل منع توسل به زور است، اما در موارد استثنایی مانند دفاع از خود می‌توان به زور متوسل شد و حق بر جنگ را به صورت مشروع و قانونی به دست آورد.

متجاوز؛ ۲- واکنش سریع نظامی در برابر اهداف تجاوزکارانه دشمنی که درصدد نقض پیمان و زیر پاگذاشتن تعهدات خود می‌باشد. ۳- سبیل الله که شامل رفع فتنه سرکوب استکبار یاری‌رساندن به مستضعفان در حال پیکار رهایی‌بخش ایجاد زمینه‌های استقرار حاکمیت الهی و اقامه شعائر دینی است. از این جهت مفهوم اسلامی جهاد با تعریف حقوقی جنگ در مورد دفاع مشروع و مخاصمات مسلحانه مقاومت و رهایی‌بخش و یا جنگ‌های انقلابی تطابق داشته و نوع دوم این جنگ‌ها، هرچند جنبه داخلی دارد و بین دولت و قوای تحت استعمار انجام می‌گیرد، با این حال در مطالعات حقوقی و بین‌المللی نیز در کنوانسیون‌های بین‌المللی و سلسله بحث‌های آکادمی که حقوق بین‌الملل مورد توجه خاص می‌باشد (۲۲).

۲-۲. نقش فقیه جامع الشرایط در عصر غیبت: در آثار متقدم امامان شیعه تقسیم جهاد به ابتدایی و دفاعی به صراحت یافت نمی‌شود. بحث در موضوع جهاد با تکیه بر آیات قرآن انفال ۶۰ بسط داده شده تا از این رهگذر مسلمانان امکانات و عده لازم برای مقابله با تهدید دشمنان را فراهم آورند، با این حال، اما شایع‌ترین تقسیم‌بندی جهاد که در آثار فقها متداول است، عبارت از جهاد ابتدایی تهاجمی و جهاد دفاعی است، چنانچه گذشت هم در اصل تقسیم‌بندی و هم در معنی و مفهوم ابتدایی و دفاعی آن بحث و مناقشه فقهی دیده می‌شود (۲۳). لازم است به این نکته توجه شود که برخی از فقها همه موارد جهاد را ابتدایی دانسته و برابر کرده تا در مواردی که جهاد ابتدایی تلقی شده، اسلام خاطره دفاع از حق آزادی دعوت و مقابله با تجاوز معنوی به حریم کرامت انسانی جهاد را تجویز نموده است. برخی نیز اصولاً جهاد را به مفهوم تهاجمی و به این معنی گفته‌اند که اسلام راه هرگونه رفتار مسالمت‌آمیز با کسانی که به آن نگریده‌اند را بسته و در برابر آنان دستور جهاد است. در همین راستا و در تفسیر دو عنوان ابتدایی و دفاعی جهاد نیز اختلاف نظر دیده می‌شود: برخی جهاد ابتدایی را به معنی جهادی که بر اساس انگیزه دعوت به اسلام و گسترش تعالی وحی تفسیر نموده و جهاد دفاعی را در مقابل به مفهوم جنگ برای حفظ حقوق مورد تجاوز قرار گرفته

راجع به پیدایش «دفاع مشروع» می‌توان بیان نمود که تا اوایل قرن ۲۰ اختلاف به وجود آمده میان دولت‌ها، معمولاً با توسل به جنگ حل و فصل می‌شد، این وضعیت ناشی از صلاحیت بی‌قید و شرط و نامحدود کشورها در این مورد بود، اما پیامدهای تلخ ناشی از جنگ جهانی اول جامعه جهانی را بر آن داشت به فکر سازوکار مناسب باشد تا بلکه بتواند از وقوع جنگ جلوگیری کند (۲۰).

علیرغم عزم راسخ و جدی جامعه بین‌الملل، میثاق جامعه ملل نتوانست به این امر مهم، یعنی ممنوعیت جنگ دست پیدا کند. در این راستا در سال ۱۹۲۸ میثاق پاریس با ممنوع اعلام‌نمودن جنگ به عنوان ابزار سیاست ملی، این خلأ را تا حدودی برطرف کرد. سرانجام در سال ۱۹۳۹-۴۵ جنگ جهانی دوم شروع شد و ضعف حقوق بین‌الملل موضوعه را بیش از پیش آشکار ساخت؛ جامعه ملل منحل گردید و سازمان ملل متحد به جای سلف خود شروع به کار نمود.

منشور سازمان ملل متحد یک سند کامل و منسجمی است که حق دولت‌ها را در توسل به زور محدود نموده است، جنگ را به صورت کامل ممنوع اعلام کرده است، اما با وجود این مسأله، حق طبیعی دولت‌ها در دفاع از خودشان تحت عنوان دفاع مشروع را به عنوان حق ذاتی دولت‌ها به رسمیت شناخته است (۲۱). لازم به ذکر است در حقوق بین‌الملل معاصر جنگ را بر حسب غایت و هدف به گونه‌های مختلفی تقسیم نموده‌اند، برخی از این موارد به قرار زیر است:

۱- مخاصمات مسلحانه به منظور دستیابی به فتوحات؛ ۲- نبرد مسلحانه برای حفظ و توسعه منافع ملی؛ ۳- دفاع مشروع؛ ۴- اقدام به عملیات نظامی به منظور اجرای مقررات حقوقی؛ ۵- تغییر نظام حقوقی از طریق نبرد مسلحانه؛ ۶- اجرای یک تصمیم جمعی به منظور اجرای نظم مورد نظر بین‌المللی از طریق اقدام نظامی؛ ۷- پیکار مسلحانه برای ایجاد دگرگونی در افکار و عقاید علیه یک ایدئولوژی یا طرزفکر خاص؛ ۸- محاسبات مسلحانه به منظور توازن و حفظ وضعیت.

در مقابل جهاد در مفهوم اسلامی می‌تواند اهداف و غایات زیر را به همراه داشته باشد: ۱- دفاع مشروع در برابر نیروهای

اسلام و مسلمین اعم از دولت و جامعه اسلامی دانسته‌اند. تحقق شرایط جهاد ابتدایی باید گفت: علاوه بر مواردی که در خصوص جهاد تدافعی عنوان شده، اسلام انگیزه‌های دیگری را به عنوان مجوز منطقی و به منظور اعلام جهاد معرفی کرده است. جهاد ابتدایی به جهاد تهاجمی یا رهایی‌بخش هم تعبیر شده است. انگیزه‌ها و عوامل تحقق جهاد ابتدایی و تهاجمی به قرار زیر است:

۱- آزاد کردن ملت‌ها و توده‌های مردمی؛ ۲- رهایی ملت‌ها و گروه‌های تحت ستم؛ ۳- کمک و یاری و همراهی با نهضت‌های آزادی‌بخش.

نظر اغلب فقهای شیعه آن است که جهاد ابتدایی باید با اجازه معصوم (ع) یا نائب خاص منتسب به او محقق شود. در جهاد ابتدایی لازم نیست تا مسلمانان برای دفع تجاوز از سوی دشمن آغازگر جهاد باشند. از آنجا که حکم جهاد ابتدایی واجب است، حضور امام معصوم به عنوان شرط اصلی و رکن اساسی آن محسوب می‌شود. در جمع‌بندی روایات و احادیث و بررسی مفاد آن‌ها حاکی از آن است که جهاد ابتدایی در زمان معصوم (ع) صورت می‌گیرد، مگر آنکه شخص، جهاد را به صورت نذر، قسم به عهد کرده باشد. بررسی دیدگاه‌های فقهی فقها در خصوص جهاد ابتدایی را با دسته‌بندی ذیل پی می‌گیریم:

۱- فقهایی که حضور امام معصوم (ع) را شرط تحقق جهاد ابتدایی می‌دانند؛ ۲- فقهایی که حضور امام معصوم را شرط تحقق جهاد ابتدایی نمی‌دانند؛ ۳- فقهایی که جهاد ابتدایی را مشروط به وجود امام عادل یا من نصبه دانسته‌اند.

در صورت عام‌بودن معنای امام عادل و من نصبه، قاعداً مشروعیت جهاد ابتدایی در عصر غیبت به دست می‌آید، چه اینکه صراحتی بر حضور امام معصوم (ع) در کلام و بیان فقها نیست و به این جهت وجوب جهاد در عصر غیبت مشروع و واجب خواهد بود (۲۴).

۳. **جهاد یکی از شؤونات ولایت:** بنابراین جهاد از این جهت به اذن امام معصوم محتاج است که آنان رهبر و حاکم جامعه بوده و خداوند به آنان ولایت داده است، حال اگر آنان در عصر

غیبت به فقیهان عادل ولایت داده باشند، قاعداً یکی از شؤون ولایت، جهاد خواهد بود، مگر اینکه معتقد باشیم برخی از امور از اختصاصات امام معصوم است که علیرغم ادله ولایت فقیه از تحت عموم آنان خارج می‌شود، ضمن آنکه بنا بر مبنای تمامیت ادله ولایت فقیه جهاد در عصر غیبت مشروع بوده، زیرا اذن گام امام را به همراه داشته و دلیلی هم بر مخالفت آن ثابت نشده است، در نتیجه اگر کسی قائل به ولایت عامه فقیه نبوده و فقط تصرف در دایره امور حسبی را جایز بداند، طبعاً مشروعیت جهاد ابتدایی که در عصر حضور از شؤون امام معصوم است در عصر غیبت نیز نیاز به اذن خواهد داشت، چه اینکه بدون وجود چنین اذنی مشروع نخواهد بود (۲۵). در عین حال باید به این نکته توجه نمود که اگر جهاد ابتدایی به معنای خاص آن که همان دعوت به اسلام است را در نظر بگیریم، در این فرض جهاد از امور حسبی نخواهد بود، اما آیا جهاد ابتدایی به معنای عام آن، یعنی جهاد برای نجات مظلومان و ستم‌دیدگان از امور حسبی نیست آیا سزاوار است که عده‌ای مظلوم درخواست کمک نموده و مسلمانان علیرغم برخورداری از توانایی، نظاره‌گر این عده باشند؟ در راستای مشروعیت جهاد در عصر غیبت، مرحوم آیت‌الله خوئی به این نکته اشاره می‌کند که دریافت جزیه از اهل کتاب در عصر غیبت تجویز شده و می‌دانیم که دریافت جزیه به عنوان گزینه‌ای است که سبب می‌شود مسلمانان با اهل کتاب قتال نداشته باشند و آنان با حفظ دین خود موظف به پرداخت جزیه شوند (۲۶). حال اگر جهاد با اهل کتاب در عصر غیبت جایز نباشد، دریافت جزیه با چه عنوانی مجاز خواهد بود؟ به عبارت دیگر جواز دریافت جزیه فرع بر جواز و مشروعیت جهاد است. در مجموع آیت‌الله خوئی از این مطلب استفاده کرده که در عصر غیبت جزیه جایگزین قتال با اهل کتاب است قاعداً قتال باید مشروع باشد تا خراج و جزیه بتواند جایگزین آن شود (۲۷). در مقابل این نظر، دیدگاه میرزای قمی قابل طرح است و آن اینکه چون جهاد را در عصر غیبت نامشروع و امری مسلم و حتی مسأله اجماعی دانسته، درصدد توجیه این فتوای مقبول در نزد فقها برآمده که چرا اهل کتاب باید در عصر غیبت جزیه بپردازند؟ میرزا در پاسخ آن را منوط به بررسی

مسأله جهاد با اهل کتاب دانسته و اینکه دریافت جزیه از آنان تحت چه عنوانی قرار می‌گیرد؟ آیا مشهور فقها و یا همه آنان پرداخت جزیه را جایگزین قتال می‌دانند یا مسأله مورد اختلاف است؟ اقتضای ادله قتال با اهل کتاب و دریافت جزیه از آنان چیست؟ در هر حال و بنا بر اینکه جزیه جایگزین قتال باشد جواز به مشروعیت جزیه در عصر غیبت بر جواز و مشروعیت قتال‌تر است، چنانچه فقها دریافت این جایگزین را جایز و حتی واجب بدانند طبیعتاً قتال با آنان مشروع خواهد بود (۲۸).

۳-۱. جهاد مشروط بر اذن فقیه عادل: آیت... مصباح در قرائت‌های جدید از جهاد با توجه به هرمنوتیک می‌فرماید: «مهم‌ترین شبهه برای دین‌زدایی و دور کردن مردم از هدایت الهی و تعالیم انبیا همین شبهه تعدد قرائات است. از روزی که خدای متعال آدم را آفرید و شیطان را برای گمراه کردن او با شیوه‌های گوناگون همت گماشت، هیچ خطری به اندازه شبهه تعدد قرائات دین را تهدید نکرده و به عقاید و باورهای مردم ضربه نزده است. اهمیت این خطر به اندازه‌ای است که تمام اهداف انبیا و کتاب‌های آسمانی را به سادگی از بین می‌برد، زیرا این شبهه اختصاصی به یک دین یا یک کتاب آسمانی ندارد» (۲۹). مشروعیت جهاد ابتدایی مشروط به وجود امام معصوم و اذن او نبوده و در عصر غیبت نیز مشروعیت دارد اکنون این پرسش مطرح می‌شود که آیا در عصر غیبت جهاد منوط به اذن فقیه عادل هست یا نه؟ در این خصوص باید گفت: «همانطور که جهاد در عصر حضور مشروط به اذن امام معصوم یا منصوب اوست، در عصر غیبت نیز با نظر ولی فقیه عادل قابل اجراست، بنابراین جهاد می‌تواند از شؤون حکومت و ولی امر محسوب گردد. واضح است که اساساً جهاد ابتدایی و نیز جهاد دفاعی نمی‌تواند بدون حضور دولت و حکومت انجام گیرد. از سوی دیگر عدم مشروعیت حاکمیت حاکم جائز و تصدی شؤون مختلف حکومت مانند جهاد از مسلمات فقه است، نتیجه آنکه در عصر غیبت بدون برقراری دولت حق و ولایت فقیه عادل، جهاد ابتدایی مشروع نیست، البته همانطور که امام معصوم می‌تواند فردی را به صورت عام و خاص برای

جهاد نصب کند، ولی فقیه نیز می‌تواند به صورت مستقیم یا غیر مستقیم تصدی جهاد را عهده‌دار شود» (۳۰). آیات الاحکام جهاد مقدمه کفی الله المؤمنین القتال سود بیشتر در خرید و فروشی است که کالایی اندک بهایی بسیار مبادله شود و فوزی از این در ازای تسلیم توشه‌ای ناچیز که آن هم متعلق به خریدار است، نصیب گردد، مزید بر اینکه بشارتی این چنین از جانب کسی است که در قول و وعده اش خلافی نیست، «و من اصدق من الله قول» خداوند خریدار است و به ازای تسلیم مال و جان، بهشت جاویدان را به مؤمنین ارزانی داشته و آنان را در آیه ۱۱۱ سوره توبه به این خریداری بشارت می‌دهد: «فاستبشرو ببيعکم الذی بايعتم به...»، اگرچه فرموده است: «انما يعمر مساجد الله من آمن بالله و اليوم الاخر...» آبادانی مسجد الحرام را به همه ارزش و اهمیتش کمتر از جهاد در راه خدا دانسته، زیرا که آن تنها عمارت مسجد است و این بسترسازی و آبادانی پیکره اسلام و ممانعت از ویرانی و تخریب آن: «اجعلتم سقايه الحاج و عماره المسجد الحرام کمن... جاهد فی سبيل الله لا يستون عندالله». بالاترین و عظیم‌ترین درجه را نزد خود به جهادگران اختصاص داده و خلوت در نعیم بهشت را اجر آنان مقرر داشته، تنها آنان را از رزق کریم روزی خواهد بخشید و در بهشت عقبی مخلد خواهد ساخت (۳۱). در زمینه جهاد در آثار فقه نکته قابل توجه دیگری نیز قابل ذکر است و آن آثار تدوین شده درباره مسأله جهاد است. آثار یادشده در منابع اهل سنت و شیعه قابل تقسیم‌بندی است. قدیمی‌ترین آثار مربوط به گروه اول منسوب به ابوحنیفه در کتاب «فقه اکبر» و در کتاب «الجهاد» از قاضی ابویوسف است. شیخ کلینی و فقهای بعد از او آغازگر بحث جهاد در منابع شیعه بوده‌اند. مباحث متنوعی در باب جهاد از تعریف آن گرفته تا چگونگی وقوع آن و نیز تقسیم‌بندی جهاد و مباحث مربوط به بعد از جهاد (تعیین تکلیف اسراء، تقسیم‌بندی غنائم و...) در کتاب‌های فقهی متأخرین بحث شده است. به اختصار اینکه فقهای متقدم شیعی جهاد را وظیفه‌ای دینی دانست که هر مسلمانی باید در آن شرکت نماید، اما فقهای متأخر شیعی این وظیفه را

مشروط به وضع و حال مسلمانان دانسته‌اند. بحث در مورد جهاد با محوریت آیات قرآن، مانند آیه ۶۰ سوره انفال، بسط و گسترش یافته تا مسلمین امکانات و قوای لازم برای تهدیدات دشمنان خود را فراهم آورند (۳۲). از تفاوت‌های اصلی میان اهل سنت و شیعیان آن است که شیعیان متقدم شرکت در جهاد را منوط به اذن امام یا نائب خاص او دانسته (کلینی، طوسی و...)، اما برخی فقهای معاصر شیعه برآنند که مبارزه با ظلم حاکمان غیر عادل به لحاظ عقلی واجب بوده و به هیچ اجازه‌ای وابسته نیست (خویی، منتظری). در خصوص مطلب فوق، یعنی شرکت در جهاد و اذن یا نائب خاص او در ادامه این نوشتار بحث خواهیم کرد.

شایع‌ترین تقسیم‌بندی جهاد در فقه تقسیم‌بندی آن به دو نوع ابتدایی تهاجمی و دفاعی است که هم در اصل تقسیم‌بندی و هم در معنی و مفهوم ابتدایی و دفاعی آن بحث و مناقشه دیده می‌شود. برخی از فقها همه موارد جهاد را دفاعی دانسته و برآنند که حتی در مواردی که جهاد، ابتدایی شمرده شده، اسلام به خاطر دفاع از حق آزادی دعوت و مقابله یا تجاوز معنوی و حریم انسانی جهاد را تجویز کرده است. برخی نیز اصولاً جهاد را به مفهوم تهاجمی و به این معنی دانسته‌اند که اسلام راه هرگونه رفتار مسالمت‌آمیز با کسانی که بدین خاتم نگرویده و به پرداخت جزیه تن نداده‌اند را بسته و در برابر آنان دستور جهاد صادر کرده است، گفتیم که در تفسیر دو عنوان ابتدایی و دفاعی اختلاف نظر به وجود آمده است: برخی جهاد ابتدایی را به معنای جهادی که بر اساس انگیزه دعوت به اسلام و گسترش تعالی وحی تفسیر نموده و جهاد دفاعی را در مقابل آن به مفهوم جنگ و به منظور حفظ حقوق مورد تجاوز قرار گرفته اسلام و مسلمین اعم از دولت و جامعه اسلامی دانسته‌اند و در این بین گروهی هم جهاد ابتدایی را پیکاری متحرک و انقلابی و جهاد دفاعی را درگیری انفعالی بیان کرده‌اند (۳۳). در حال اگر خواسته باشیم به اختصار دیدگاه سایر فقها در مورد جهاد عنوان کنیم، از ابوصلاح حلبی شروع می‌کنیم. وی می‌گوید: «يجب الجهاد كل من الكفار و المحاربين من الفساق، عقوبه علی ما سلف...؛ جهاد با کافران و جنگ‌طلبان فاسق واجب است اگر از ناحیه برخی کفار و

جنگ‌طلبان خوف تجاوز به بعضی از سرزمین‌های اسلامی داده شود بر اهالی همه اقلیم‌ها لازم است با دشمنان متجاوز نبرد کنند.» سلار در «المراسم العلویه» بر دفاع از جان، دفاع از اموال و اهل و عیال را مطرح می‌نماید. ابن زهره در «غنیة النزوع» آورده است: «الجهاد فرض من الفرائض الاسلام بلا خلاف و جمله ما یحتاج الی علمه...» با این همه و از آنجا که جهاد در زمره تکالیفی است که با شرایط خاص و رعایت ضوابط ویژه و کاملاً برنامه‌ریزی شده و منضبط صورت می‌گیرد. لازم است دقت بیش از پیش در تقسیم‌بندی و سایر احکام آن صورت پذیرد. واضح است که این مهم در همه تکالیف دینی مورد توجه می‌باشد. از این رو به سبب ماهیت اجتماعی سیاسی و امنیتی که جهاد از آن برخوردار است، وظیفه‌ای است که با ضوابط و مقررات دقیق همراه بوده و بدین سبب در زمره احکامی است که تحقق آن با اذن امام (ع) یا نائب تعیین شده از جانب او میسر می‌شود (۳۴).

۲-۳. جهاد در آیات قرآن: اینان هستند که بر نشستگان، دارای فضل عظیم بوده و اینانند که مؤمنین حقیقی‌اند. «اولئک هم المؤمنون حقا»، اما آنان که در این معامله وارد نشده، متاع جان را در خانه تنگ خودخواهی خویش حبس نموده‌اند، نه تنها خود را از سودی عظیم محروم نموده‌اند که خسروانی جاودانی و گرانبار نصیبشان شده، آتش در روز واپسین به انتظارشان خواهد بود. به راستی چه چیز اینان را از درک چنین فوزی عظیم محروم ساخته؟ آیا جز این است که ایمان به سرای جاویدان در دلشان جایی نداشته، زنگار گناه و خود پرستی قلوبشان را تیره ساخته است؟ سوره توبه آیه ۴۵: «انما یستأذنک الذین لایؤمنون بالله و الیوم الاخر و ارتابت قلوبهم فهم فی ریبهم یترددون». کوتاه‌بینی و قلوب مهرخورده ایشان، جهاد در راه خدا را پیش چشمشان هلاکت و نابودی جلوه داده، از این رو بر نشستگان از جنگ مسرور گشته، در نقش ابلیس و سوسه‌گر مؤمنان را به ترک جهاد و محرومیت عظیم بازمی‌دارند، سوره توبه آیه ۸۲: «فرح المخلفون بمقعدهم خلاف رسول الله... و قالوا لاتنفروا فی الحر.» اکنون همان آتش دوزخ، حرارتی بیش از گرمی آفتاب دارد، بیچارگان اگر از

عاقبت امر خود خبر می‌داشتند، به جای سخره مؤمنان، گریه و شیون می‌کردند: «فلیضحکوا قليلا و لیبکوا کثیرا.» سست ایمانانی که تازه در جرگه مسلمین درآمده‌اند، گرچه به زبان به روز محشر ادعان دارند، اما ایمان آن‌گونه که باید در دل‌هایشان وارد نشده، وابستگی به دنیا با تار و پودشان عجین شده است، بدین رو با این گفته که: «ربنا لم کتبت علینا القتال لو لا اخرتنا الی اجل قریب» قصد شانه خالی کردن از جهاد را دارند، گویا ترس از دشمنان بیش از خوف و خشیت الهی آنان را مسیطر خود ساخته است. نهیب خشم الهی بانگ برآورده که: «چگونه برای رفتن به جهاد به زمین چسبیده‌اید، آیا به متاع ناچیز دنیا بسنده کرده‌اید؟» (ما لکم اذا قیل لکم انفروا فی سبیل الله اثاقلتم فی الارض، ارضیتم بالحویه الدنیا)، اگر به بهانه ندانستن فنون جنگی، قصد شانه خالی کردن از جهاد در سر دارید، بدانید که به کفر نزدیک‌ترید تا ایمان. آیا پنداشته‌اید جز مجاهدین و صابرین کسی را به بهشت راهی هست و در نهایت ندای الهی سر داده می‌شود: «بیماردلانی که از نزول آیات محکم جهاد وحشت زده، مانند بیهوشان مشرف به موت جان می‌بازند، مرگ بر آنان سزاوارتر است» (۳۵).

نتیجه‌گیری

در بررسی حقوقی موضوع جهاد، توجه به این نکته ضروری است که در قرآن دو عنوان جهاد و قتال به کار رفته و چنین به دست می‌آید که جهاد نوعی از قتال است که با شرایط و ضوابط خاص خود مطرح می‌شود، ضمن آنکه از نگاه فقهی، در کنار قتال و جنگ مسلحانه عنصر معنوی دیگری در تحقق عنوان جهاد مطرح است و آن انگیزه الهی آن است که با این قصد و نیت مجاهدان است. بنا بر آنچه ذکر شد، می‌توان چنین گفت که شرط وجود امام معصوم به منظور مشروعیت جهاد در عصر غیبت منتفی است، البته چنانچه شرط مجاز بودن جهاد را از نظر امام علی (ع) بدانیم، در نتیجه جهاد در عصر غیبت نامشروع بوده، باید دوره غیبت امام را دوره تقیه یا صلح و سکوت دانست، بنابراین جهاد ابتدایی محلی از اعراب نخواهد داشت. با این حال اگر شرط وجوب جهاد را به اذن امام

معصوم بدانیم، نتیجه آن مشروعیت جهاد در عصر غیبت خواهد بود، ولی حتی با وجود شرایط آن نیز جهاد واجب نیست. بر این اساس عصر غیبت عصر مسامحه و صلح خواهد بود. و در آخر اینکه اگر با بررسی دلایل به عدم شرط اذن معصوم قائل شویم، در این صورت جهاد با اجتماع شرایط آن در عصر غیبت واجب خواهد بود و ترک آن به منزله معصیت و تخطی. مرحوم کاشف الغطا جهاد را در پنج نوع تقسیم کرده است: ۱- جهاد برای حفظ موجودیت اسلام؛ ۲- جهاد برای حفظ دما اعراض و اموال مسلمانان؛ ۳- جهاد برای کمک به گروه مسلمین؛ ۴- جهاد برای بازگرداندن حاکمیت اسلام؛ ۵- جهاد برای دعوت به اسلام. بر این اساس و با توجه به آیات قرآن می‌توان چنین گفت که احکام و مقررات جهاد نمی‌تواند مخصوص به زمان معینی باشد. به عبارتی حکم جهاد در عصر غیبت نمی‌تواند تعطیل‌بردار بوده، نمی‌توان آن را منحصر به حضور معصوم (ع) دانست. از این جهت مقتضای آیات قرآن عمومیت جهاد در عصر غیبت و عدم اختصاص آن به عصر و زمان خاصی است. «نعم لم یاذنوا فی زمن الغیبه ببعض الامور التي یعلمون عدم حاجتهم الیها کجهاد الدعوه المحتاج الی السلطان و جیوش و امرا و نحو ذلک مما یعلمون قصور الید فیها عن ذلک و نحوه، و الا لظهرت دوله الحق کما او ما الیه لصادق (ع) بقوله: لو ان لی عدد هذه الشهویات، و کانت اربعین لخرجت.» چند نکته در این عبارت مورد توجه صاحب جواهر می‌باشد: اول اینکه ائمه در زمان غیبت انجام بعضی از امور مانند جهاد را اجازه نداده‌اند از این جهت که کاربردی برای شیعیان نداشته است؛ نکته دیگر آنکه جهان نیازمند وجود سلطان و فرمانده‌ای است که ائمه می‌دانستند در عصر غیبت شیعیان از بهره‌مندی از چنین امکاناتی بی‌بهره‌اند، در غیر این صورت و با وجود مهیا بودن امکانات غیبت به ظهور مبدل می‌شد، چنانکه امام صادق (ع) فرمود: «اگر من به مقدار این گوسفندان یآوری داشتم، قیام می‌کردم.» در بررسی بیان صاحب جواهر ذکر این نکته لازم است که ضرورت اذن ائمه در انجام هر تکلیفی به شیعیان خود و در عصر غیبت ضرورتی ندارد. به عبارتی تکالیفی به اذن ایشان نیاز دارد که مشروعیت

یا وجودش منوط به اذن امام (ع) باشد، بنابراین اگر جهاد از عباداتی باشد که در عصر حضور به اذن آنان نیازمند باشد در عصر غیبت نیز باید با اذن آن انجام گیرد.

مشارکت نویسندگان

علی مهدی فرد: گردآوری منابع، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، پژوهش و نگارش مقاله.

محمود قیوم‌زاده: راهنمایی و نظارت بر اجرای صحیح فرایند پژوهش و نگارش مقاله.

عباسعلی حیدری: مشاوره علمی در خصوص مسائل تخصصی پژوهش.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

References

1. Emami SH. Civil Rights. Tehran: Islamia; 1992. [Persian]
2. Bahrami Khoshkar M. Rules of Inheritance in Imami Jurisprudence and Civil Law in Simple Language. Tehran: Kalma Allah Publishers; 2010. [Persian]
3. Jafari Langroudi MJ. Legal terminology. 1st ed. Tehran: Ganj-e Danesh Publications; 1984. [Persian]
4. Khomeini SR. Tahrir al-Wasila. Qom: Quds Mohammadi Publications; 2010. [Persian]
5. Ranjbar P. Explanation of the causes and obstacles of inheritance from the point of view of Shiites and Sunnis. Jurisprudence and History of Civilization Journal. 2019; 6(4): 44-67. [Persian]
6. Zubeidi Mohabeddin SM, Hosseini Vasti M. Taj al-Aros. Beirut: Dar al-Kafr; 1993. [Arabic]
7. Shahid Sani Z. Al-Ruzhi al-Bayi fi Sharh al-Lama al-Damashqiyah. Beirut: Dar al-Alam al-Islami; 2008. [Arabic]
8. Heidi M. Arth. Tehran: Majd Publications; 2015. [Persian]
9. Salami Maulvi AA, Masoudi Kabodan K. Investigation of inheritance system from the point of view of jurists of Islamic schools of thought. Comparative Studies of Schools of Jurisprudence. 2021; 1(1): 77-95. [Persian]
10. Tusi IJ. Conflict in jurisprudence. 2nd ed. Tehran: The Capital of Iran; 2003. [Persian]
11. Ameli ZD. Al-Rawda al-Bahiyya in Sharh al-Lama' al-Damashqiyya with the margin of Seyyed Muhammad Kalantar. Qom: Publishing House of Ayatollah Azami al-Marashi al-Najafi; 2015. [Persian]
12. Ameli SB. Jame Abbasi. Tehran: Farahani Publications; 2007. [Persian]
13. Askari Islampour D. philosophy of the difference between male and female inheritance in Islam. Rowaq Andisheh Aban. 2013; 13(35): 47-69. [Persian]
14. Muradkhani A, Masoompour M. Apostasy and its prevention from inheritance in the opinion of Shiites and Sunnis. Law and Politics Research. 2012; 10(39): 139-157 [Persian]
15. Eslami R, Abu Tarabi F. Criticism of legislative measures against human trafficking in Iranian laws with emphasis on international human rights standards. International Legal Journal. 2018; 12(61): 132-157. [Persian]
16. Idea O. Economic, social and cultural rights. 2nd ed. Tehran: Majd Publishers; 2013. [Persian]
17. Yazidi N. Measuring the capacity of the government to intervene against the violators of criminal laws in the critique of the Law on the Protection of Children and Adolescents and its Executive Regulations. Scientific Journal of Jurisprudence and Family Law. 1400; 8(26): 35-61. [Persian]
18. Salomon M. Global responsibility for human rights, translated by a group of translators. 2nd ed. Tehran: Majd Publishers; 2014. [Persian]
19. Jallavi F. Review of the protection of working children in Iran's legal system and with a look at international documents. Work and Community Monthly. 2014; 12(74): 22-37. [Persian]
20. Janzhavi F. A review of the protection of working children in Iran's legal system and with a look at international documents. Monthly Work and Society. 2014; 11(70): 113-132. [Persian]
21. Khandani P, Sangcholi Mehrovi S. Traditional and modern child labor in Iran's subject law and the International Convention on the Rights of the Child. Scientific Quarterly Journal of Law and Modern Studies. 2019; 1(1): 66-94. [Persian]
22. Zakli A. Examination of the capacity of the International Criminal Court to deal with the crime of human trafficking. Law and Politics Research. 2004; 11(26): 44-63 [Persian]
23. Khomeini R. Imam Khomeini's book. Tehran: Imam Khomeini (PBUH) Editing and Publishing Institute; 2005. Vol.22. [Persian]
24. Mousavi Najafi S. Modern Philosophy in Iran. Tehran: Amir Kabir Publications; 2013. [Persian]
25. Khaleghi A. Imam Khomeini and the Discourse of the West. Tehran: Islamic Education Association of Iran; 2000. [Persian]
26. Farati AV. The political intellectual flow of the clergy in the new era. Ph.D. Thesis. Qom: Baqir al-Uloom University; 2006. [Persian]
27. Ansaria N, Shams al-Dini A. Structural analysis of the text of Surah al-Haqah. Research Paper on Qur'an Interpretation and Language. 2016; 5(2): 161-178. [Persian]
28. Rajajnejad M. Petrification and petrification from Imam Khomeini's point of view. Tehran: Imam Khomeini Memorial Headquarters; 2008. [Persian]

29. Ahmadizadeh MR. Let's gets to know Shahid Modares (RA). Kashmar: Shahid Modares Cultural Complex; 2012. [Persian]
30. Abedi Ardakani M, Mir Hosseini MH. Islamic Revolution in Yazd. Tehran: Islamic Revolution Documentation Center; 2008. [Persian]
31. Khomeini R. Commentary on 40 Hadiths. Tehran: Imam Khomeini Institute for Compilation and Publishing; 1992. [Persian]
32. Khomeini R. Kashf Asrar. Tehran: Imam Khomeini (PBUH) Editing and Publishing Institute; 1998. [Persian]
33. Khomeini R. Affairs and authority of the Faqih Province. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance; 1986. [Persian]
34. Mohammad R. Petrification and petrification from Imam Khomeini's point of view. Tehran: Imam Khomeini Memorial Headquarters; 2008. [Persian]
35. Lakzaei N. the evolution of Imam Khomeini's political thought. Tehran: Farhang and Andisheh Research Institute; 2013. [Persian]